

ضرورت ایجاد رابطه دو طرفه میان مردم و حکومت

علی قادری



پاسخ به مخالفین و تبلیغات دشمن بدهد. در عین حال، رابطه دو طرفه میان شهروندان و حکومت افزایش یافته و مردم نسبت به وضعیت خوشبین گردد. اما قبل از همه شکل گیری همگرایی در درون حکومت میان دو تیم لازم و ضروری است. هر گونه بهبود وضعیت ناممکن و عملی نیست. بلکه وضعیت آشفته تر خواهد شد. در پایان این نوشتار باید متذکر شد که برای بهبود وضعیت لازم است که شکاف میان مردم و حکومت پر گردد. این شکاف باید بر مبنای مسئولیت دو طرف در قبال همدیگر از بین برود. اما، این کافی نیست. زیرا، علل شکل گیری این شکاف تنش سازماندهی نماید. اگر بخواهیم وضعیت وخیم تر نگردد لازم است که یک گفتگو ایجاد نماید که شهروندان کشور در کنار انتقاد از کارکرد های حکومت در مواردی از حکومت حمایت نماید و حکومت نیز مسئولیت ها و کارکرد های خود را انجام دهد.

بنابراین، حکومت قبل از همه لازم است که بخش رسانه های خود را فعال سازد. فعالیت های فرهنگی خود را در سطح کلان گسترش دهد. از این طریق، بتواند

طالبان در فضا های مجازی کمپاین کردند. نشر کلیپ های تصویری اعضای گروه طالبان در فیس بوک و تویتر به صورت گسترده از سوی شهروندان کشور یکی از مواردی بود. که مردم بدون تأثیر آن بر روح و روان سربازان کشور و کارگزاران سیاست ملی انجام دادند. بنابراین، ما بیش از آن که در برابر حکومت احساس مسئولیت نمایم، با دشمن مردم و حکومت همکاری کردیم. از این جهت، بخش از ناکامی حکومت به عهده ما نیز هست.

در کنار آن ما هیچ گاه به نیرو های امنیتی کشور در برابر دشمنان مردم افغانستان حمایت نکردیم. در برخی از ولایات کشور، شهروندان مخالفین کشور را به خانه های خود پناه دادند. در مبارزه با دشمن ما در واقع همدست مخالفین حکومت بوده ایم. کمتر شهروند کشور فعالیت های مشکوک را به نهاد های ملی گزارش دادند. ما به جای همکاری بیشتر با مخالفین همدست شدیم و گذاشتیم تا تروریستان نیرو های امنیتی کشور را سلاخی نماید. در بدوین بدخشان، قندوز، بغلان، کنر و ... بدون همکاری مردم دشمنان ما قادر به شکست نیرو های امنیتی ما نخواهد بود. تنها با همکاری مردم است که نیرو های امنیتی قادر به پاسخگویی دشمنان و تروریستان

جدی و اساسی است. در دوره، ریاست جمهوری جان اف کندی، رئیس جمهور آمریکا که اوضاع و احوال آمریکا رو به وخامت بود. کندی در یک سخنرانی خود گفت: در وضعیت کنونی باید مردم از خود بپرسد که مردم برای حکومت چه کار کرده است؟ در آن زمان، کندی توانست مردم را تشویق نماید که با حکومت بیشتر همکاری نموده و حکومت را در بخش های مختلف حمایت نماید.

از آنجایی که در تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی کشور نظام استبدادی بر کشور حاکم بوده است و رابطه میان حکومت و شهروندان وجود نداشته است و این رابطه یک طرفه بوده است. مردم افغانستان تا حدودی با این رابطه دو طرفه چندان آشنایی ندارد. در دوره، جدید که نظام دموکراتیک حاکم شد مردم تنها خود را حق به جانب می گرفت. واقعیت اما، این است که شهروندان یکسری مسئولیت های در قبال حکومت دارد. در ذیل تلاش می کنم یکسری مسائل را در ارتباط با عدم ادای مسئولیت شهروندان در قبال حکومت بیان دارم.

چندی پیش که گروه طالبان بر شهر قندوز حمله نمودند، مردم به جایی حمایت از نهاد های ملی و حکومتی بیشتر به نفع گروه

در هفته گذشته موج از انتقاد ها بر حکومت وحدت ملی به خاطر کارکرد ضعیف در یک سال گذشته افزایش یافت. انتقاد ها هم از سوی مقامات حکومت وحدت ملی صورت گرفت و هم از جانب شهروندان عادی کشور. با این حال، کمتر کسی از حکومت وحدت ملی دفاع کرد. بخش فرهنگی و رسانه ای حکومت آن قدر ضعیف ظاهر شده است که قادر به پاسخگویی منتقدین خود نبوده است. انتقاد فراینده می تواند پایه های حکومت را سست و بی بنیاد سازد. احتمال بهبود کارایی حکومت در وضعیت کنونی ممکن نیست. زیرا، حکومت از فقدان مشروعیت قانونی، عدم حمایت مردم، کمبود بودجه و ... رنج می برد. از این جهت، انتقاد ها پایه ها و بنیاد های حکومت سست تر می گرداند. در ارتباط با همین مسئله، نگارنده در صدد آن است تا چند نکته را برای مصلحت عمومی بنگارد.

سقوط دولت و یا ضعیف شدن دولت به نفع هیچ کس نیست. هیچ قشر اجتماعی به جز گروه های دهشت افکن و تروریستی از سقوط دولت سود نمی برد. با سقوط دولت، کشور یکبار دیگر به کام جنگ و ویرانگری می افتد. به عبارت ساده تر، ما به دوران سیاه دهه ۱۹۹۰ باز می گردیم. آنچه در دهه مذکور اتفاق افتاد جز تباهی، ویرانی و قتل و کشت و کشتار چیزی دیگری به یادگار نمانده است. بنابراین، خلاء قدرت یکبار دیگر، علاوه بر آن بین بردن دستاورد های پیش از یک دهه گذشته، تباهی نیز به بار می آورد. بنابراین، لازم است که یک سری اقدامات عمومی و همه جانبه را روی دست بگیریم تا از سقوط حکومت جلوگیری نمایم.

در انتقاد های صورت گرفته بنیادی ترین سوال ممکن این است که حکومت در یک سال گذشته هیچ کاری اساسی و بنیادی برای ترقی، پیشرفت و بهبود زندگی شهروندان کشور انجام نداده است. نفس این سوال درست است. باید تلاش صورت گیرد که شهروندان بیشتر کشور در آینده نسبت به کارکرد حکومت حساس باشد. اما در عین حال، این سوال نیز می تواند درست باشد. ما چه کاری برای حکومت کرده ایم؟ اگر رابطه میان شهروندان دوطرفه است و شهروندان کشور در قبال حکومت یک سری مسئولیت های دارد این سوال نیز

در حالی که فصل سرما نزدیک است و جنگ هنوز در کندز جریان دارد و سرنوشت این شهر در ماههای آینده نیز نا مشخص می باشد، باید دولت و مردم به صورت مشترک مشکل آوارگان کندز را حل کنند و برای آنها جای، غذا، لباس و وسایل مورد نیاز تهیه نمایند. خلاً دیگر در امر کمک رسانی این است که در این برنامه توجه بیشتر به خانواده هایی معطوف می شوند که از کندز بیرون شده و خود را به ولایت های همجوار رسانیده اند؛ در حالی بسیاری از مردم در خود کندز شدیداً به این کمک ها نیاز دارند. اما این مردم، که اکثراً به دلیل ناداری و تنگدستی نتوانسته اند خود را از محل حادثه و جنگ بیرون کنند؛ به کلی به دست فراموشی سپرده شده است. دولت ملگف است که در این زمینه برنامه جامع و عملی را روی دست بگیرد و خلأهایی که سبب کندی روند کمک رسانی می شود، را هر چه زود تر پر کند.

سرمقاله

کندز و روزهای سخت آوارگان

حقیق الله ذکی

جنگ کندز مصیبت ها و سختی های زیادی را بر مردم تحمیل کرد. این مردم هم در جریان جنگ مشکلات زیادی را متقبل شدند و هم از جنگ با دشواری های زیادی روبرو می باشند. این جنگ نزدیک دوهفته است که جریان دارد. در این مدت بیشترین در دوازده هزار خانواده آواره شده اند و هزاران خانواده دیگر که به هردلیلی نتوانسته اند خود را به ولایت های همجوار برسانند، هنوز در شهر کندز با خطرات و تهدیدات زیادی دست و پنجه نرم می کنند.

در حال حاضر آوارگان کندز به شهرهای تخار، بدخشان، بلخ، سرپل و حنا کابل رسیده اند و بسیاری دیگر هنوز هم در کندز در میان مشکلات گیر مانده اند. این آوارگان هموطنان ما و شماس است از سوی گروه های دهشت افکن مورد بدترین ستم ها و رفتارها قرار گرفته اند. مال و دارایی شان به غارت رفته و خانه و کاشانه شان ویران شده است. این آوارگان به شدت به مواد اولیه و ضروری مانند: غذا، لباس، فرش، کمپل، تشک، دوا و وسایل یخت و پز نیاز دارند. ما همه مسئولیت داریم که این آوارگان را مورد حمایت قرار دهیم و در تأمین مایحتاج ضروری به آنان کمک کنیم. اگرچه نهادهای مسئول و رسمی نیز در این زمینه کار می کنند؛ اما بدون شک کار نهادهای رسمی در این بخش ها؛ اولاً بسیار کند صورت می گیرد و ثانیاً بسیار اندک بوده و پاسخگویی نیازهای اولیه آوارگان نمی باشد. از اینرو تا زمانی که مردم با حمایت ها و کمک های شان این مردم را باری ندهند، مشکلات بیشمار آوارگان نیز قابل حل نمی باشد.

مشکل عمده در این عرصه عدم وجود سازمان های معتبر و مورد اعتمادی است که اولاً از نظر فرهنگی و تبلیغاتی در میان مردم کار کنند و برای مردم در این بخش ها انگیزه ایجاد کنند و آنها را به کمک به هموعان و هموطنان شان ترغیب و تشویق نمایند؛ ثانیاً کمک های جمع آوری شده را به صورت درست مستماری کرده و به صورت فوری به نیازمندان واقعی برسانند.

امروز مردم ما همه از درد و رنج شهروندان کندز آگاه هستند و قطعاً نمی توانند در این ارتباط بی تفاوت بوده و از زیر بار مسئولیت انسانی و ملی که بر دوش شان است شانه خالی کنند؛ اما خلأ مهم در این زمینه این است که یک نهاد مورد اعتماد که بتواند جمع آوری و ارسال کمک ها را به عهده بگیرد، وجود ندارد. ترویج و گسترش فساد در تمام شبکه های روابط اجتماعی، اصل اعتماد در مناسبات اجتماعی را خدشه دار کرده است. در حال حاضر بی اعتمادی ناشی از فساد، تنها به روابط میان دولت و مردم خلاصه نمی شود، که روابط مردم با مردم را نیز آسیب زده است.

جریان کمک رسانی به آسیب دیدگان درسال های گذشته، مردم را بیش از پیش نسبت به مسؤلان محلی و سایر نهادهای کمک رسان بی اعتماد ساخته است. باید توجه داشت که شرط موفقیت این گونه برنامه ها در برقراری اعتماد متقابل میان مردم و نهادهای کمک رسان است.

در حالی که فصل سرما نزدیک است و جنگ هنوز در کندز جریان دارد و سرنوشت این شهر در ماههای آینده نیز نا مشخص می باشد، باید دولت و مردم به صورت مشترک مشکل آوارگان کندز را حل کنند و برای آنها جای، غذا، لباس و وسایل مورد نیاز تهیه نمایند. خلاً دیگر در امر کمک رسانی این است که در این برنامه توجه بیشتر به خانواده هایی معطوف می شوند که از کندز بیرون شده و خود را به ولایت های همجوار رسانیده اند؛ در حالی بسیاری از مردم در خود کندز شدیداً به این کمک ها نیاز دارند. اما این مردم، که اکثراً به دلیل ناداری و تنگدستی نتوانسته اند خود را از محل حادثه و جنگ بیرون کنند؛ به کلی به دست فراموشی سپرده شده است. دولت ملگف است که در این زمینه برنامه جامع و عملی را روی دست بگیرد و خلأهایی که سبب کندی روند کمک رسانی می شود، را هر چه زود تر پر کند.

مسئولیت های فردی و اجتماعی انسان

هایی که بر شمرده می شوند سنگین تر است و باید کاملاً بر ابعاد گوناگون این وظیفه آگاهی یافت و در انجام آن بر پایه احکام الهی و سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه کوشش و دقت فراوان شود.

در صدر اسلام آیه ای درباره عذاب دوزخیان نازل شده، چند جوان از هراس گرفتاری به چنین غذایی سر به بیابان گذاردند و زندگی عادی خویش را رها کردند. یکی از آنها تصمیم گرفت دیگر با همسر خود همبستر نشود و با زنان برخورد نکند؛ آن دیگری با خود پیمان بست که از آن پس با مردم تماس نگیرد و مسئولیت های اجتماعی را رها کند؛ و سومی بر آن شد که هرگز غذای لذیذ نخورد. همسران این سه خدمت رسول گرامی اسلام (ص) رفتند و هریک شرح حال خود را گفت.

پیامبر(ص) از شنیدن این ماجرا ناراحت شدند و به مسجد رفتند. رفتن حضرت چنان با شتاب بود که عیاش به زمین می کشید و با همان حالت مردم را به مسجد فراخواندند تا این وضع استثنایی را باز گویند و چنین فرمودند: من که پیغمبر شما هستم همسر اختیار کرده ام، غذا می خورم و از جسمم مواظبت می کنم و در میان اجتماع به سر می برم و با مردم تماس دارم. سپس فرمودند: هر کس از سنت من روی برگرداند از من نیست. قرآن در سوره نور آیه ۲۲ می فرماید: همسران بی شهو و مردان بی همسر و غلامان و کنیزان در دستکار خود را به ازدواج یکدیگر در آورید، اگر تنگدست باشند خداوند به لطف خود آنان را بی نیاز می کند و خداوند بسیار دهنده است و آگاه بر حال بندگان از این آیه می آموزیم که احساس تنگدستی نباید به دوری از سنت پیامبر (ص) بینجامد، چرا که ازدواج و تشکیل خانواده خود موجب فراخ روزی می شود. البته مسئولیت خانواده بسیار سنگین و حساس است و همسر داری تربیت فرزند داری آیین و احکام ویژه ای است و هر یک از ارکان خانواده وظایفی به عهده دارد. تنها با انجام این وظایف متقابل است که کانون خانواده همواره گرم و سالم خواهد ماند.



بعد معنویشان نابود شده و در برابر سخن حق کر و لال شده باشند و تعقل و تدبیر نکنند.

سوم مسئولیت اجتماعی انسان است؛ منشأ این وظیفه طبیعت اجتماعی انسان است و تکامل او وامدار این صفت است، چنانکه بدون حضور در میان اجتماع، پیمودن راه تکامل برایش میسر نیست. در اسلام بر مسئولیت مزبور تأکید شده و حدیث معروفی از پیامبر بزرگوار اسلام (ص) در این باره وجود دارد که می فرماید: رهبانیت و ترسک دنیا در اسلام نیست. مسئولیت های اجتماعی انسان به دو گروه تقسیم می شود: (الف) وظایفی که مربوط به خانواده است و به آن «تدبیر منزل» گویند.

(ب) وظایفی که عمومی است و انسانها نسبت به یکدیگر دارند و چنانچه در ادای این مسئولیت همچون دو مسئولیت دیگر عبودی و فردی گواهی شود، انسان گناهکار است و از وظیفه انسانی که بر حسب آفرینش بر عهده او است، باز خواهد ماند.

البته مسئولیت خانواده از بقیه مسئولیت

وظایف انسان چند گونه است از جمله «مسئولیت عبودی» که این وظیفه بین او و خداست و چنانچه در انجام آن کوتاهی شود، انسان از حوزه عبودیت خدا خارج می شود و دوم «مسئولیت فردی» که بر دو قسم است:

(الف) وظیفه ای که انسان نسبت به جوارح خود دارد، جسم (بعد حیوانی) انسان به منزله مرکب است و برای عروج انسان به عالم ملکوت وسیله ای است لازم. از این رو انسان در برابر جسم خود مسئولیت هایی دارد و سنتی در انجام آن باعث تولید اشکال در سیر معنوی می شود و در این صورت خطا کار به شمار می رود. پس باید مواظب جسم خود بود.

(ب) وظیفه ای که انسان نسبت به بعد معنوی و روحی خود دارد؛ این وظیفه بسیار سنگین است و چنانچه در انجام آن کوتاهی شود روح بیمار خواهد شد و تمام افعال انسان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. اگر این بیماری روح و معنویت را بمیراند انسان مصداق آیه شریفه ۲۲ سوره انفال می شود که می فرماید همانا پست ترین جانوران نزد خداوند کسانی هستند که

مسئولیت به دوش نکشد و به خود واگذارد شده باشد. به طور کلی اگر پدیده ای از عالم کاینات، آتی از وظیفه خود سر باز بزند و بار مسئولیت خویش را از دوش نهد، همه نظام به هم می خورد و بسیاری از موجودات نابود می شوند. در عالم مجردات هم وضع این چنین است یعنی هر یک از ملاتکه و وظیفه ای ویژه به عهده دارد و اگر یک لحظه از مسئولیت خود سر باز زند نابود می شود.

بنابراین همه ذرات هستی دارای مسئولیت هستند و بدیهی است انسان که سر آمد عالم آفرینش است، مسئولیت سنگینی دارد. تفاوت مسئولیت سایر موجودات، جنات، حیوان، افلاک و غیره با انسان در این است که مسئولیت آنها جبری و بر حسب عالم تکوین است، حتی موجودات مجرد مانند ملاتکه نیز به گونه ای مجبورند ولی، مسئولیت انسان با اختیار است. خداوند تبارک و تعالی در سوره انسان آیه ۳ می فرماید: ما راه حق و باطل را به انسان نشان دادیم حال می خواهد هدایت بپذیرد و مسئولیت هایش را انجام دهد یا کفران نعمت کند.



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حقیق الله ذکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: مهدی صالحی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

